

بایسته‌ها و آثار تربیتی اشتغال اطفال از دیدگاه اسلام

حسین جاویر*

فاطمه منظمی**

چکیده

هدف این تحقیق بررسی موضوع اشتغال اطفال از دیدگاه اسلام است. پرسش اساسی این است که آیا بر اساس دیدگاه اسلامی، اشتغال اطفال، در سنین پایین و قبل از رشد کامل، می‌تواند در تربیت ایشان مؤثر باشد و در صورتی که پاسخ مثبت است، بایسته‌ها و آثار آن کدام است؟ این نوشتار بر مبنای روش تحلیلی توصیفی و به شیوه پردازش و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

این تحقیق نشان داد، از آنجا که ممکن است اشتغال، برای اطفال، مخاطرات جسمی و روحی متعددی را به دنبال داشته باشد باید اصل را بر ممنوعیت یا محدودیت آن دانست؛ اما از سوی دیگر، بخش مهمی از رشد فضایل اخلاقی، مهارت‌های زندگی و اجتماعی و تا حدود زیادی اکسپانسیو، محصول تجربه و آموزش است، از این رو، از دیدگاه اسلام اشتغال اطفال به شکل کنترل شده و محدود جایز است و به لحاظ تربیتی هم می‌تواند مفید واقع شود. اما باید اشتغال محدود اطفال با رعایت وضعیت سنی، جسمی و روحی-روانی وی صورت گیرد و در این راستا، اصل اعتدال، اصل تسهیل، ضرری نبودن و رعایت مصلحت طفل از جمله شرایط اسلام در کانون تصمیم و اجرای تصمیم مربوط به اشتغال اطفال است.

واژگان کلیدی: آثار تربیتی، اشتغال اطفال، کودکان، تربیت کودک، مصلحت.

مقدمه

مخاطرات پدید آمده در جوامع به دنبال اشتغال اطفال، محققان را بر آن داشته تا به ممنوعیت کلی اشتغال اطفال پردازند و به دیگر جنبه‌های آن کمتر توجه کنند؛ با آنکه در فقه امامیه، در برخی موارد و به‌گونه‌ای کلی، اشتغال اطفال اجازه داده شده است، اما این مهم، ابعاد مثبت و منفی بسیاری دارد که باید بدانها توجه شود.

یکی از وجوه مثبت که ممکن است در قلمرو اشتغال اطفال پذیرفته شود، جنبه تربیتی آن و نقش اشتغال اطفال در رشد و بالندگی آنان است. بی‌گمان، افراد برای ورود به عرصه‌های پرمخاطره و پیچیده اجتماعی، به آموزش مناسب و تجربه‌اندوزی کافی نیاز دارند. ورود ناگهانی به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، ممکن است ضررهای پیش‌بینی نشده و تجربه نشده‌ای را، حتی گاه در ابعاد وسیع، در پی داشته باشد. کسب تجربه و تربیت مناسب در قالب درگیر شدن اطفال با فعالیت‌های اجتماعی، از جمله اشتغال محدود و پایش شده، می‌تواند به افزایش توانمندی‌های وی در مواجهه با مشکلات، شناسایی استعدادها و رشد زود هنگام فکری و اقتصادی وی بینجامد.

در عین حال، هرگونه فعالیت زود هنگام اجتماعی و اقتصادی ممکن است طفل را از مزیت‌های دوران کودکی و نیازمندی‌های وی در مقاطع مختلف سنی محروم سازد. از این‌رو، در صورتی که در برخی مقاطع سنی، امکان اشتغال، تجویز شود، از آنجا که این تجویز، بر خلاف اصل بوده و جنبه استثنائی دارد، این پرسش مطرح می‌شود که بایسته‌ها و عوامل محدودکننده آن، کدام‌اند؟ این اشتغال، ذیل چه ضوابطی، می‌تواند به رشد و بالندگی طفل و توانمندسازی او برای ورود به جامعه مفید و مؤثر باشد؟ در این نوشتار تلاش بر آن است که این ضوابط و عوامل، در مقاطع مختلف سنی و در پرتو منابع غنی فقهی، بررسی شوند.

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است مفهوم طفل و اشتغال تربیتی بررسی شوند.

۱. مفهوم طفل

در واژه‌نامه‌های عربی، واژه طفل، به معنای ابر بی‌باران و ابرهای کوچک (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۰۲؛ ابن سیده، (بی‌تا)، ج ۹، ص ۱۷۲) و مولود الصغیر آمده است (ابن فارس، ۱۴۲۶ق، ص ۵۷۸).

واژه طفل، در واژه‌نامه‌های فارسی به معنای بچه، نوزاد آدمی، کودک، مولود و کودک خرد آمده است. مسعودی می‌گوید: طفل، خردتر از صبی است. همچنین، صاحب آندراج می‌گوید: زمان طفولیت، از ولادت تا وقت بلوغ و عند البعض، تا وقت حرکت و نهوض است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۱۳۶۵۷؛ عمید، ۱۳۴۳، ص ۸۱۰).

اما در راستای تعریف مفهوم اصطلاحی طفل، در کتاب‌های فقهی باید گفت: این واژه مستقلاً در این منابع تعریف نشده است، اما برخی فرهنگ‌ها به تعریف آن پرداخته‌اند. همچنین، افزون بر متون فقهی، باید به کاربرد طفل در آیات قرآن نیز اشاره شود؛ زیرا واژه طفل، چهار بار در قرآن کریم به کار رفته است که در آیات پنج سوره حج و آیه ۵۹ سوره نور و آیه ۶۷ سوره غافر، از پایان دوران کودکی با اصطلاحات «أشد» و «حلم» تعبیر کرده و در آیه پنج سوره حج به شروع سن کودکی نیز اشاره شده است.

افزون بر این، برخی تفسیرها به گونه تخصصی به تعریف طفل پرداخته‌اند، چنان‌که گفته شده است: طفل در اصطلاح، به کودک از هنگام تولد تا زمان احتلام (قراستی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۲) اطلاق می‌شود. برخی پژوهشگران معنای طفل را از، زمان تولد تا زمان بلوغ (صدوق، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۳۲)، در نظر گرفته‌اند.

بررسی کتاب‌های فقهی نشان می‌دهد که این واژه برای آدمی در بطن مادر (صدوق، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۳۲)، به طفل در زمان شیرخوارگی (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۷۰۷؛ صدوق، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۸)، در طول سن تمییز (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۲۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۵؛ صدوق، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳۹) و سرانجام به‌عنوان فرد غیربالغ (طوسی، ۱۴۰۸، ص ۳۰۹) به کار رفته است. که در مجموع و با لحاظ عرف، می‌توان دوران طفولیت را از زمان تولد تا زمان بلوغ دانست.

۲. مفهوم اشتغال تربیتی

اشتغال، در لغت به معنای «به کاری پرداختن و مشغول شدن» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۲۶) آمده است. در اصطلاح نیز به معنای «مشغول بودن به کار» (مریدی، ۱۳۷۳، ص ۲۰) و «انجام دادن کاری در راستای برآورده کردن نیازهای زندگی تا جایی که از درآمد مالی آن بتوان ابتدائی‌ترین شکل زندگی در هر زمانی را متناسب با نیازمندی‌های آن فراهم نمود»، تعریف شده است (امرائی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹).

افزون بر این، فعالیت‌های طفل، امور مختلفی را در بر می‌گیرد، از جمله آنهاست، مشارکت در کارهای خانه و کمک به والدین، کار در مزرعه خانوادگی یا کار با مزد بیرون از خانواده و نیز ممکن است فعالیت طفل، شامل یک حرفه آسان، یا کار بدنی سخت نیز بشود (عراقی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸).

باید دید کدام بخش از فعالیت‌های طفل را می‌توان از مصداق‌های اشتغال تلقی کرد. برخی از صاحب‌نظران حقوق کار (عراقی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸) معتقدند، برای آنکه بتوان به یک درک روشن و مشخص درباره اشتغال اطفال دست یافت، باید هم طبیعت فعالیت‌هایی که طفل

بدان می‌پردازد و هم نوع رابطه میان او و طرف مقابل لحاظ شوند. در واقع، در این نظر، شغل طفل با «معیار شخصی» و توجه به «ویژگی‌های شخصی» وی، اعم از موقعیت اجتماعی، وضعیت جسمانی و اقتصادی مورد نظر قرار می‌گیرد و معیار نوعی، محک خوبی برای ارزیابی محسوب نمی‌شود. بنابراین، اگر طفلی، در جزء کارهای روزمره خود، در مشاغل خانگی، به پدر و مادر خود نیز یاری دهد، نوع کار انجام شده، میزان آن و تناسب کار با جسم و حقوق آموزشی طفل - که کار باعث لطمه به این حقوق خواهد شد، یا خیر - و انگیزه والدین، میزان ارزش اقتصادی کارهای انجام شده به وسیله طفل، مشخص می‌کند، کارهای انجام شده شغل محسوب می‌شوند یا خیر. در کنار عوامل یاد شده، باید بر عناوین مهمی، از جمله «استثمار» و «بهره‌کشی اقتصادی»، یا «سوءاستفاده از نیروی کار» توجه شود.

افزون بر آن، اشتغال اطفال، موضوعی است که جنبه‌های مثبت و منفی دارد و پدیده کودکی کار، به معنای اصطلاحی و رایج، جنبه منفی آن را تشکیل می‌دهد، در حالی که اشتغال تربیتی نیز از جنبه‌های مثبت آن محسوب می‌شود؛ زیرا این نوع اشتغال، افزون‌بر نداشتن آثار سوء مقوله کودکی کار، جنبه‌های تربیتی مثبت را نیز با خود دارد.

در حقیقت، میان انسان و شخصیت وی و کاری که انجام می‌دهد، ارتباط دو طرفه‌ای برقرار است. از یک سو، کار، نقش انکارناپذیری در سازندگی روحی و تربیت اشخاص ایفا می‌کند و از دیگر سوی، نوع تربیت نیز بر نوع کار و کیفیت آن تأثیر می‌گذارد. به تعبیر برخی محققان (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۴۱۰)، این دو، هم علت یکدیگرند و هم معلول یکدیگر هستند. هم انسان، سازنده و آفریننده کار خود است و هم کار و نوع کار، خالق و آفریننده روح و چگونگی انسان است. این ارتباط دوسویه، درباره اطفال نیز کم و بیش صادق است و نمی‌توان نقش کار را درباره این بخش از افراد جامعه نادیده گرفت.

نکته شایان گفتن این است که درباره اطفال، اشتغالی مورد نظر است که به جهت تربیت و با هدف خاص تربیت طفل تجویز می‌شود. البته ممکن است، از اشتغال تربیتی، اشتغال با اهداف تربیتی نیز برداشت شود، اما به نظر می‌رسد «اشتغال تربیتی درباره اطفال»، از «اشتغال با اهداف تربیتی» نیز خاص تر محسوب می‌شود؛ زیرا اشتغال، وسیله‌ای برای تربیت است و تربیت در آن به‌عنوان یک رکن اساسی است که بدون آن، معنا پیدا نمی‌کند. در این مفهوم از اشتغال دیگر اهداف، کم‌رنگ بوده، به‌گونه‌ای که اگر رکن تربیت از میان برود، این نوع اشتغال، ارزش یاد شده و نیز مبنا و ماهیت خود را از دست می‌دهد.

قبل از بیان بایسته‌ها، زمینه‌ها و ضوابط اشتغال تربیتی اطفال، لازم است بر مقاطع سنی مؤثر در اشتغال اطفال توجه شود.

۳. تفکیک سنّی اطفال در قلمرو اشتغال تربیتی

از روایاتی که در آنها به سن کودک برای تعلیم و تربیت اشاره شده، چنین برداشت می‌شود که درخت تربیت به تدریج رشد و نمو می‌کند و در دراز مدت تنومند و بارور می‌شود. به سخن دیگر، تربیت، صبر، بردباری، دقت، هوشیاری و نظارت مستمر می‌طلبد، اما ثمری که در پی دارد چنان شیرین و مسرت‌بخش است که پدر و مادر را از همه تلاش‌هایی که در این زمینه مبذول داشته‌اند، راضی و خشنود می‌کند (انصاری، (بی‌تا)، ص ۵۰۷).

با توجه به تدریجی بودن تربیت و تفاوت اقتضاهای سنّی در این رابطه، از رهگذر بررسی روایات می‌توان مقاطع سنّی را در اطفال، به لحاظ متغیر تربیتی، به سه دوره تفکیک کرد:

۳-۱. هفت سال نخست

دو دسته از روایات وارد شده به هفت سال نخست اشاره دارند:

دسته اول، روایاتی است که هفت سال نخست اطفال را به بازی اختصاص داده، یا در عبارت‌هایی او را «امیر» می‌خواند. در این باره، از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پسر، تا هفت سال بازی می‌کند...^۱ (جرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۳۱؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۴۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۱۱).

دسته دوم، روایاتی هستند که از هفت سال نخست سخنی به میان نیاورده‌اند و وظیفه والدین را در هفت سال دوم بیان می‌دارند که اشاره به چنین تقسیمی دارد. از جمله این روایات می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

۱. کودکان را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی آنان را بر ترک نماز تأدیب و تنبیه کنید و در خوابگاه، از یکدیگر جدایشان سازید^۲ (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲۸)؛
۲. امام صادق علیه السلام فرمود: ما کودکان خود را در حالی که پنج ساله هستند به خواندن نماز امر می‌کنیم و شما به اطفال خویش وقتی هفت ساله شدند دستور نماز خواندن بدهید. همچنین ما کودکان خود را هنگامی که هفت ساله شدند به گرفتن روزه امر می‌کنیم بدان مقدار که از یک روز، روزه می‌توانند بگیرند؛ هرچند تا نصف روز، یا بیشتر از آن، یا کمتر از آن باشد، و وقتی تشنگی یا گرسنگی بر ایشان غلبه کرد، افطار می‌کنند تا بدین گونه به گرفتن روزه خوگیرند و توان گرفتن آن را بیابند، و شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند به گرفتن روزه وادارید، هر اندازه از یک

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْأَحْرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.
 ۲. قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله -مُخَاطَبًا لِأَوْلَادِهِ الْأَطْفَالِ-: مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَاصْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ.

روز را که می‌توانند، روزه بگیرند، و وقتی تشنگی بر ایشان غلبه کرد، روزه خود را افطار کنند^۱ (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۸۰؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۰۹).

از دیدگاه محققان، دارا شدن فرزندان از شخصیت کامل، در گرو بهره‌مندی از فرصت کافی برای بازی آزادانه در سنین پایین است و این فرصت، بیشتر، در هفت سال نخست زندگی فراهم می‌شود و بازی در این سن می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای یادگیری، کسب آمادگی لازم برای ورود به مقطع بالاتر، تسکین عواطف، رشد شخصیت و خلاصه رشد همه جانبه کودک را در ابعاد جسمی، روحی، عاطفی، اجتماعی، عقلی و اخلاقی فراهم آورد (خوشبخت، ۱۳۹۰، ص ۸۸-۹۰).

در همین راستا، بروز برخی شیظنت‌های کودکی در برخی روایات، نشانه خوبی برای آینده کودک تلقی شده‌اند. برای نمونه، در روایتی آمده است: «شیظنت و لجاجت کودک، در خردسالی، نشانه بسیاری عقل و اندیشه او در بزرگسالی است»^۲ (مجلسی، بی تا)، ج ۴، ص ۳۷۸).

بنابراین، می‌توان گفت، هفت سال نخست طفل، از موضوع اشتغال تربیتی خارج است و اولویت تربیتی در این سن و نیز مصلحت وی، بر بازی و کمک گرفتن از بازی برای رشد جسمانی و تسلط بر حرکات بدنی است و در این مقطع، رشد عاطفی و رشد شناختی وی در کانون توجه قرار دارد (مهبجور، ۱۳۷۶، ص ۸۲)، در این دوره، طفل، مفاهیمی چون همزیستی، ادب، نحوه برقراری روابط اجتماعی و کمک به دیگران را از خلال این بازی‌های کودکانه تجربه می‌کند و می‌آموزد و هر نوع اشتغال به کار، مانع تحقق این امر مهم است. چه اینکه، اشتغال در این دوره، حتی اگر به صورت تمرینی و تربیتی باشد و حتی از نظر جسمی به او آسیبی نرساند، گذشته از اینکه این دوره سنی، برای تربیت شغلی مناسب نیست، باعث حذف دوره‌ای از کودکی او شده و می‌تواند پیامدهای روحی را برای طفل در پی داشته باشد. حتی درباره تعلیم مستقیم و اجبارهای آموزشی هم در این سن باید پرهیز کرد. غزالی معتقد است بازداشتن کودک از بازی و وادار کردن دائم او به یادگیری، باعث کسالت و دل‌مردگی و از میان رفتن استعداد و نشاط و شادابی او شده، سبب آن می‌شود که اساساً، درصدد گریز و رهایی از آموزش برآید، زندگی طفل را بی‌نشاط می‌سازد و او را از یادگیری بیزار می‌کند (غزالی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۴).

۱. قَالَ الصَّادِقُ (ع): إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ وَ هُمْ أَبْنَاءُ حَمْسٍ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَعِ سِنِينَ. وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصِّيَامِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَعِ سِنِينَ مَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ... فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَوْ الْجُوعُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصُّوْمَ وَ يُطَبِّقُوهُ؛ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصِّيَامِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ تِسْعِ سِنِينَ مَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

۲. عرامة الصبی، فی صغره، زیادة فی عقله فی کبره.

۲-۳. هفت سال دوم

در این هفت سال، تربیت طفل در روایات، با تجویز، تأکید و توصیه روبه‌روست. در این دوران، طفل به تدریج برای حضور بیشتر در اجتماع و زندگی آینده خود باید آموزش ببیند؛ زیرا لازم است کودکان در یک روند درخور کنترل، به تدریج و با آزمون و خطا و با محک تجربه، استقلال شخصیت خود را، از جمله، در امر اشتغال و درآمدزایی به دست آورند. یکی از وجوه تربیت طفل آمادگی اشتغال با تمرین اشتغال است. پس از این زمان، ممکن است اشتغال جنبه‌ای واقعی به خود بگیرد؛ به گونه‌ای که جنبه سودآوری نیز داشته باشد.

در برخی روایات، با صراحت بر این مهم اشاره شده است؛ از جمله، در روایتی، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «بگذار فرزندت هفت سال بازی کند، سپس هفت سال زیر نظرش داشته باش و تحت تربیت مستمر و بی‌وقفه خود قرارش ده...»^۱ (مجلسی، (بی‌تا)، ج ۱۰۱، ص ۹۵). در روایت دیگری از ایشان نیز نقل شده است: «کودک در هفت سال نخست عمر به بازی سرگرم است، هفت سال دوم به تعلیم و آموزش، و هفت سال [بعد] به شناخت احکام حلال و حرام» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۶ و ج ۱۷، ص ۳۳۱؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۴۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۱۱).

۳-۳. هفت سال سوم

این مرحله، از زمان نزدیک به سن بلوغ شروع می‌شود و در آن، نوجوان، توان اظهار استعداد خویش را دارد، بنابراین، والدین باید با مشورت و ایجاد زمینه‌های مناسب، او را در بروز استعدادها یاری دهند (انصاری، (بی‌تا)، ص ۵۰۹). اشتغال طفل در این سن، می‌تواند افزون‌بر جنبه تربیتی، به سوی اهداف واقعی اشتغال و کسب سود، سوق داده شود، تا وی بتواند، به گونه‌ای شایسته و کامل، پای در کارزار واقعی زندگی بگذارد.

۴. بایسته‌های اشتغال تربیتی اطفال

ابعاد تربیت، از ابعاد وجودی انسان جدا نیستند. انسان دارای جسم و روح است که هر یک استعدادها و گرایش‌های خاص خود را دارد. به ویژه، روح یا نفس ناطقه که دارای استعدادهای پیچیده و گسترده‌ای است. بنابراین، تربیت، آنگاه کامل است که رشد و تکامل انسان به گونه‌ای همه جانبه و به نحوی متعادل بر آن توجه شود (رهبر، ۱۳۸۱، ص ۶۵). از این‌رو، اگر روش تربیتی،

۱. دَعِ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أفلَحَ وَ إِلَّا فإِنَّهُ مَن لَّا خَيْرَ فِيهِ.

پیامدهای مخاطره‌آمیزی به دنبال داشته باشد قطعاً نامناسب بوده و باید از آن پرهیز شود. از این‌رو، اشتغال‌تربیتی و تربیتی، در گرو تنظیم و به کار گرفتن زمینه‌ها و ضوابطی است که بدون رعایت آنها، ممکن است شاهد خسارت‌های جبران‌ناپذیری باشیم. این زمینه‌ها در ادامه بررسی می‌شوند.

۴-۱. اصل اعتدال

چنان‌که در آغاز بحث اشاره شد، در رابطه با افراط در امر تربیت، افزون‌بر اینکه در تأثیر آن تردید وجود دارد، سختگیری نابجا و خارج از معمول، در امر تربیت در سنین کودکی، کودک را به سرکشی و طغیان نیز سوق می‌دهد؛ بنابراین، در زمینه برنامه‌ریزی برای اشتغال اطفال، نخستین امری که باید در نظر داشت، رعایت اعتدال است. اطفال، به آن دلیل که در سن رشد قرار دارند، افزون‌بر نیازهای طبیعی، به مراقبت‌های ویژه هم نیاز دارند. این مواظبت باید همه جوانب زندگی طفل را دربر گیرد و افزون‌بر جامعیت، اجرای آن با ملاحظه جانب اعتدال و پرهیز از افراط باشد.

۴-۲. اصل تسهیل

اصلی که همواره در دین اسلام مطرح شده است، اصل تسهیل است، همچنین در احکام دین، اصل بر آسان گرفتن و سهولت است، چنان‌که این موضوع در روایات نیز آمده است: اِنَّمَا بَعَثْتُمْ مِيسِرِينَ وَ لَمْ تَبْعَثُوا مَعْسِرِينَ (الکتنانی، (بی‌تا)، ج ۱، ص ۱۷۸).

این اصل در فعالیت‌های تربیتی نیز جاری است. مفاد اصل تسهیل آن است که در فعالیت‌های تربیتی لازم است مربی مسامحه و سخت‌نگرفتن را در همه فعالیت‌ها در نظر داشته باشد و با شناختی که از وضعیت و شرایط مُتَرَبِّی پیدا می‌کند در موارد لزوم، تخفیف‌هایی را برای او در نظر گیرد و فعالیت‌هایی را که خارج از توان اوست بر او تحمیل نکند و از آنچه موجب مشقت و سختی او می‌شود پرهیز کند (بناری، ۱۳۸۹، ص ۵). در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بر آسان‌گیری تأکید شده است، از جمله اینکه می‌فرماید: «تعلیم دهید و سهل گیرید و سخت مگیرید، گشاده‌رویی کنید و خشونت مکنید و چون یکی از شما خشمگین شود، خاموش ماند»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۳، ص ۱۳۸۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۵۹۳؛ پاینده، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۶۸؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۸۱؛ محمدی، ۱۳۹۰، ۳۴۷).

۱. روایاتی نظیر «عَلِّمُوا وَ يَسِّرُوا، وَ لَا تَعْسِرُوا وَ بَشِّرُوا وَ لَا تَنْفَرُوا وَ إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْكُتْ.» و نیز «رَجِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَ لَدَهُ عَلَى بَرٍّ. قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرٍّ؟ قَالَ: يَقْبَلُ مَيْسُورَةً وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورَةٍ وَ لَا يُهَيِّئُهَا وَ لَا يَخْرُقُ بِهَا».

۴-۳. قاعدة لاضرر

حضانت سرپرست، نهادی برای تربیت، نگهداری و اصلاح طفل است، و هر موردی که برای او ضرر داشته باشد، شرعاً، سلطه‌ای برای وی وضع نشده است؛ بنابراین، سرپرست طفل و کسی که نگهداری طفل بر عهده اوست، براساس قاعدة لاضرر، حق ندارد در موردی که اشتغال طفل، برای او ضرر دارد، او را به کار گمارد، و در صورت اقدام بدین کار، براساس «قاعدة تسبیب»، موظف به جبران خسارات ناشی از آن است.

برخی مفسران در همین باره به آیه «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ»^۱ و به ملاکی که در آن وجود دارد، استناد کرده‌اند. با این توضیح که، مقصود در این آیه، نهی از ضرر زدن به کودک است؛ بدین معنا که هر یک از پدر و مادر، نباید به کودک ضرر بزند، حکم حرام بودن ضرر بر کودک، عام است و شامل انواع ضرر می‌شود (بناری، ۱۳۸۹، ص ۴۴). از جمله این موارد، ضرری است که در خلال تربیت ناصحیح بر طفل وارد می‌شود. بنابراین، با توجه به این قاعدة، اشتغال تربیتی باید عاری از ضرر باشد، در غیر این صورت، وجاهت ندارد و ضمان‌آور خواهد بود.

۴-۴. مصلحت طفل

مصلحت، از مهم‌ترین شرطهایی است که در فقه امامیه، در باب‌های مختلفی بدان توجه شده است. البته در بحث اشتغال اطفال، بنابر موقعیت حساس و آسیب‌پذیری بسیاری که در طفل وجود دارد، دارای اهمیت بیشتری است. این عنصر، ممکن است ناظر به جنبه‌های روحی-روانی، وضعیت جسمانی و امور مالی مرتبط با اشتغال اطفال باشد. این جنبه‌ها، به ترتیب، بررسی می‌شوند.

۴-۴-۱. مصلحت روحی، روانی

جنبه‌های روحی و روانی مرتبط با اشتغال طفل، مهم‌تر از دیگر جنبه‌هاست. «خود اشتغال» به صورت کلی و انتخاب «نوع شغل» برای طفل باید متناسب با مصالح روحی او متناسب بوده، برای او مفسده‌ای به دنبال نداشته باشد. بایسته‌های ذیل را در همین باره می‌توان ارزیابی کرد:

۴-۴-۱-۱. ممنوعیت اشتغال به کارهای حرام

در فقه، به اعتبار موضوع، تجارت به سه دسته حرام و مکروه و مباح (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵) تقسیم شده است. با این تقسیم‌بندی می‌توان دریافت که همه مشاغل از نظر شرعی در

یک رده نیستند و به لحاظ اعتبار، متفاوت‌اند. والدین در اشتغال اطفال نباید آنها را به اعمال حرام بگمارند، یا فعالیت آنها را در انجام مشاغل حرام یا با انگیزه حرام، اجازه دهند. افزون بر این، اشتغال تربیتی، به دلیل آنکه در راستای تربیت طفل است و خود اشتغال مستقیم هدف قرار نمی‌گیرد، این امر مهم پُررنگ‌تر شده تا جایی که شایسته است والدین اطفال را به مشاغل مکروه نیز نگمارند و اجازه آن را صادر نکنند تا از سوق دادن طفل به مسیر ناصحیح جلوگیری کنند.

۴-۴-۱-۲. منافع نداشتن اشتغال با رشد و تعالی معنوی طفل

همان‌گونه که بیان شد، برنامه تربیتی طفل باید برنامه‌ای همه جانبه و متعادل باشد؛ از این‌رو، اشتغال طفل، به هیچ وجه، نباید با رشد و تعالی او منافات داشته باشد؛ زیرا به مصلحت طفل و مناسب حال او نیست. افزون بر این، تربیت معنوی، از جمله اولویت‌های تربیتی در روایات بیان شده است. در روایاتی که در تفکیک سنی اطفال به تفصیل مطرح شد، افزون بر امر کردن به والدین برای آموزش حرام و حلال الهی به فرزندان، از سنین خاصی، انجام فرائض دینی به فرزندان را به صورت تمرینی دستور می‌دهد. از جمله آنها، روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرماید: «ما کودکان خود را وقتی پنج ساله‌اند به خواندن نماز امر می‌کنیم، و شما به اطفال خویش وقتی هفت ساله شدند دستور نماز خواندن دهید. همچنین ما کودکان خود را هنگامی که هفت ساله شدند به گرفتن روزه امر می‌کنیم، بدان مقدار که از یک روز می‌توانند روزه بگیرند، هرچند تا نصف روز یا بیشتر از آن، یا کمتر از آن، و وقتی تشنگی یا گرسنگی بر ایشان غلبه کرد افطار می‌کنند تا این‌گونه به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند، و شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند به گرفتن روزه وادارید؛ هرچقدر از یک روز را که می‌توانند، روزه بگیرند، و وقتی تشنگی بر ایشان غلبه کرد روزه خود را افطار کنند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۸۰؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۰۹). اشتغال اطفال نیز باید در همین راستا بوده و نباید خللی در تربیت معنوی طفل وارد سازد؛ چراکه تربیت معنوی طفل از جمله تکالیف والدین و از حقوق فرزندان است.

برخی، نیز حتی در انتخاب شریک، در شراکت اموال طفل به رعایت مصلحت معنوی طفل و برتر دانستن آن اشاره کرده‌اند و در تزاخم میان حفظ مصلحت معنوی و حفظ منفعت مالی، دوراندیشی در امور معنوی برای طفل را ارجح دانسته‌اند، از جمله، بیع مشاع برخی اموال کودک به وسیله ولی او، در صورت وجود منفعت مالی، اجازه داده شده است، اما این در صورتی است که

در یک طرف معامله‌ای مشاع با فردی فاسق و فاسد باشد که معامله با او دارای سود مالی بسیاری برای طفل باشد، و در طرف دیگر معامله‌ای با شخصی صالح وجود دارد با منافع مالی کمتر، شراکت اموال طفل با شخص صالح ترجیح دارد و موجب حفظ مصالح طفل در جمیع جهات است؛ زیرا مصالح طفل بر فرض آیه «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، تنها مصلحت مالی نیست بلکه حفظ مصلحت از جمیع جهات است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۱۰).

۴-۴-۲. مصلحت جسمانی

یکی از مهم‌ترین مصالح در تربیت و نگهداری اطفال، توجه به ابعاد جسمانی و تلاش در جهت صیانت از تمامیت جسمانی و جلوگیری از بروز زیان‌های جسمانی به اوست. در زمینه اشتغال اطفال نیز، رعایت مصلحت جسمانی طفل و به‌کارگیری او در مواردی است که از نظر جسمی به طفل آسیبی وارد نسازد، از جمله امور بایسته در این مورد به‌شمار می‌رود. می‌توان موارد ذیل را از مصداق‌های لازم در این‌باره تلقی کرد:

۴-۴-۲-۱. لزوم تناسب اشتغال با توانایی‌های جسمی طفل

اشتغال تربیتی به منظور ارتقای توانایی‌های طفل و تربیت اوست و بدیهی است که هرگونه مخاطراتی نباید سلامت جسم طفل را در آن تهدید کند؛ چراکه مسلم است که اگر اشتغال از لحاظ جسمانی مناسب طفل نباشد، از نظر شرعی بر طبق مصلحت طفل و عموم قاعده لاضرر، مجاز نبوده و خصوص آیاتی مثل: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» مجاز نخواهد و همین‌طور، والدین (حاضن)، مکلف به حفظ و نگهداری از اطفال هستند و براساس قواعد فقه امامیه، اگر باعث هرگونه آسیبی به طفل شوند، باید ضمان آسیب مورد نظر را بر عهده گیرند.

افزون بر این، مسئله‌ای که اهمیت این موضوع را هرچه بیشتر نمایان می‌سازد، تفاوت درخور توجه طفل در دوره‌های سنی مختلف، از لحاظ جسمانی و نیز توجه به بحث جنسیت در این موضوع است؛ چراکه توانایی اطفال در سنین مختلف متفاوت بوده و همچنین تفاوت‌های جنسیتی در این زمینه برای حفظ سلامت طفل درخور توجه‌اند.

۴-۴-۲-۲. ساعات محدود

با توجه به متفاوت بودن توانایی‌های انسان در دوره‌های سنی متفاوت و همچنین نیاز متفاوت انسان‌ها، اشتغال از اولویت‌های زندگی طفل محسوب نمی‌شود، بلکه تأمین نفقه طفل بر عهده افرادی دیگر (مثل پدر و جد پدری) است؛ از این‌رو اشتغال تربیتی فقط باید در حدی که تربیت او

اقتضا می‌کند، تجویز شود. بنابراین، منطقی، این تجویز باید ساعاتی محدود و مشخص را شامل شود تا به دیگر نیازها و حقوق طفل همچون حق تحصیل او، صدمه وارد نکند.

۴-۳-۴. مصلحت مالی

نخستین وجه مصلحت مالی در اشتغال اطفال، استحقاق دستمزد از سوی طفل است؛ زیرا مصلحت طفل، در نگاه اول، اشتغال مجانی را نمی‌پذیرد. به علاوه و از آنجا که به موجب قاعده احترام شئون اشخاص، از جمله مال یا عمل انسان نباید مجانی و بدون مابازاء مورد استفاده دیگری قرار گیرد (بهرامی احمدی، (بی تا)، ص ۴۵)، عمل طفل نیز محترم بوده و اگر عرفاً به کار او اجرتی تعلق می‌گیرد، باید به طفل پرداخت شود و در زمره اموال شخصی او محسوب شود.

در واقع عمل انسان نیز اگر قصد تبرع در آن وجود نداشته باشد، بالقوه مال است و پس از انجام دادن عمل، بالفعل می‌شود. پس از آن به صورت حقی بر ذمه آمر می‌آید؛ چراکه عمل انسان نیز محترم بوده و اجر و پاداش آن باید آدا شود (مصطفوی، ۱۳۹۳، ص ۳۶). این رابطه درباره طفل نیز قویاً وجود دارد؛ چراکه رابطه‌ای عام بوده و همه سنین را در بر می‌گیرد، حتی برخی معتقدند در صحنه بین الملل نیز کاربرد داشته و مختص به مسلمانان هم نیست؛ چون قاعده احترام، از احکام امضائی اسلام بوده و متکی بر بنای عقلاست و می‌تواند به عنوان مبنائی جهان‌شمول و قاعده‌ای برون‌دینی مطرح شده و دیگر دیدگاه‌های موجود در حقوق تطبیقی را نیز مدلل و تحت پوشش قرار دهد (سبزواری، ۱۳۱۳ق، ج ۲۰، ص ۲۴۷؛ همان، ج ۲۵، ص ۲۵۱؛ قنواتی و جاور، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

افزون بر این، یکی از مواردی که این قاعده از آن استنباط شده است، روایت «آته لا یصلح ذهاب حق احد» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۳۰۹) است، که می‌تواند مؤید این بحث قرار گیرد. این روایت بر نبود امکان از میان بردن حق دیگری اشاره دارد. طفل با عمل خویش، حقی را ایجاد کرده که بر عهده آمر (کارفرما) است و ذمه آمر تا زمان ادای حق طفل بری نمی‌شود. بر همین سیاق، در روایتی دیگر، مال مؤمن جز به طیب نفس او حلال نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸۴). بدیهی است، طفل و سرپرست او که مشروع یا نامشروع او را به کار گمارده، اگر قصد تبرع نداشته باشند، خواهان دستمزد هستند. این امر تا جایی است که در روایتی دیگر حرمت مال مؤمن را همانند حرمت خون او می‌داند.^۱

افزون بر این، مصلحت طفل در اشتغال او تا جایی مهم قلمداد شده است که اگر شغلی به مصلحت طفل باشد ولی او می‌تواند براساس قراردادی، مدت شغل را تا پس از بلوغ طفل قرار دهد

۱- ابی بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر و اکل لحمه معصية و حرمة ماله کحرمة دمه».

که در این رابطه برخی فقها برای طفل بعد از بلوغ، حق فسخ قائل شده‌اند (حلی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۶؛ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۹۹؛ عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۹، ص ۳۱۱) و البته برخی نیز به چنین حقی قائل نیستند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۱ و ج ۲، ص ۵۸۵؛ همو، ۱۴۲۲، ص ۸۲۱؛ طباطبایی، (بی تا)، ج ۲، ص ۴۷۷؛ اصفهانی، ۱۴۲۲، ص ۴۰۰).

۵. آثار و اهداف اشتغال تربیتی

در این زمینه می‌توان از راهنمایی آیات و روایات بهره برد. در این رابطه، دو دسته روایت وجود دارند:

۵-۱. دسته نخست روایات در باب ارزش و اهمیت اشتغال

دسته اول، روایاتی هستند که به ارزش‌گذاری و اهمیت دادن کار پرداخته و فواید آن را بیان می‌کنند؛ زیرا تشویق به کار و تلاش، به‌عنوان عاملی مهم در رشد معنوی و تربیت و سلامت فکری و معیشت انسان، موضوعی است که قرآن کریم در آیات بسیاری انسان را به آن دعوت و توصیه فرموده است. در قرآن کریم حدود چهارصد آیه در تشویق به کار و تلاش و بیان ارزش و اهمیت و آثار و برکات (کار و تلاش) وارد شده است. همچنین، از کلمات مترادف و هم‌معنا در رابطه با کار و همچنین اشاره به تلاش و مشاغل پیامبران و توصیه‌ها و تشویق‌های آنان به کار و تلاش، استفاده شده است (نادعلی، ۱۳۹۷، ص ۲). در خلال بسیاری از این روایات، اهداف و آثار تربیتی اشتغال نمایان می‌شوند، که دارای آثار ارزشمندی هستند. شایسته است به مهم‌ترین آثار یادشده، اشاره شود:

۵-۱-۱. شکیبایی و پارسایی

اشتغال، امری تدریجی است. پس از گذشت مدت زمان مشخص یا نامشخص، آثاری همچون دستمزد را که مهم‌ترین هدف در اجتماع برای رسیدن به آن است، هویدا می‌سازد. از این رهگذر، طفل، تلاش برای رسیدن به نتیجه مورد نظر و صبر در این راه را می‌آموزد. در روایات نیز به این اثر اشتغال اشاره شده است. در روایتی آمده است: «کار کنید و آن را به پایان رسانید و در آن پایداری کنید، آنگاه شکیبایی ورزید و پارسا باشید. همانا شما را پایانی است و خود را به آن پایان برسانید»^۱ (الرضی، (بی تا)، ج ۱، ص ۳۹۰).

۱. الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ الْكَيْفِيَّةُ الْكَيْفِيَّةُ وَالْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ إِنَّ لَكُمْ فِيهَا فَاوْزَانًا إِلَىٰ نَهَائِكُمْ.

۵-۱-۲. پرهیز از تنبلی و کسل بودن

کودک، با اشتغال، زندگی خود را هدفمند پنداشته و با توجه به هدف خود، تلاش می‌کند. همچنین، از برخی رذائل اخلاقی، همچون تنبلی، که در روایات بسیاری از آن نهی شده، دور می‌شود. در همین راستا، امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «با عمل (کار) ثواب به دست می‌آید، نه با تنبلی»^۱ (لیثی واسطی، (بی تا)، ج ۱، ص ۱۸۶).

۵-۱-۳. روحیه مداومت و پشتکار

پشتکار، یکی از عوامل مهم ثمربخشی کارهاست؛ زیرا هر کاری بدون پشتکار و بدون به پایان رساندن آن کار، بی ثمر باقی می‌ماند. کسب این مهم برای طفل، از طریق به دست آمدن تدریجی نتیجه کار و آشنا شدن طفل با ویژگی استمرار بودن فعالیت‌ها و اشتغال، در روحیه او تثبیت می‌شود. او کم‌کم می‌آموزد که برای به دست آوردن هر نتیجه‌ای، داشتن همت عالی و پیگیری مداوم لازم است. در روایاتی از معصومان علیهم السلام کار اندک، اما مداوم، با ارزش‌تر از کار زیاد، اما مقطعی دانسته شده است. «مداومت بر عمل در پیروی از آثار و سنت‌ها، گرچه آن عمل اندک باشد، نزد خدا پسندیده‌تر و فرجام آن سودمندتر از سخت‌کوشی در عبادت براساس بدعت‌ها و پیروی از هوس‌هاست»^۲ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۲۵). امام باقر علیه السلام در روایت دیگری فرمود: «چیزی نزد خدای عزوجل محبوب‌تر از عملی که ادامه داده شود نیست گرچه اندک باشد»^۳ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۸۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۴).

۵-۱-۴. تأثیر کار بر سلامت جسم

کار، یکی از عوامل مهم در ایجاد و حفظ سلامت جسمانی و روانی انسان است و غیرمستقیم، عامل پیشگیری از بسیاری از بیماری‌های جسمی، روحی و اخلاقی محسوب می‌شود. بنابراین، برای آنان که خواهان روح و روان و بدنی سالم هستند، کار، تحرک و فعالیت نسخه‌ای شفا بخش است (ناد علی، ۱۳۹۷، ص ۱۰). چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «هر کس کار کند، نیرویش

۱. بِالْعَمَلِ يَحْتَصِلُ الثَّوَابُ لَا بِالْكَسَلِ.

۲. نَفْعَةُ الْإِسْلَامِ الْكَلْبِيُّ فِي الْكَافِي، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَفْصِ الْمُؤَدِّدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِي رِسَالَتِهِ إِلَى أَصْحَابِهِ: وَقَدْ قَالَ أَبُوْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمُدَاوَمَةُ عَلَى الْعَمَلِ فِي إِتِّبَاعِ الْأَفْئَارِ وَالسُّنَنِ وَإِنْ قَلَّ أَرْضَى لِلَّهِ [وَأَنْفَعُ عِنْدَهُ] فِي الْعَافِيَةِ مِنَ الْإِجْتِهَادِ فِي الْبِدْعِ وَ إِتِّبَاعِ الْأَهْوَاءِ أَلَا إِنَّ إِتِّبَاعِ الْأَفْئَاءِ وَ إِتِّبَاعِ الْبِدْعِ يَغْيِرُ هُدَى مِنَ اللَّهِ ضَلَالًا وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ بِدْعَةٌ وَ كُلُّ بِدْعَةٍ فِي النَّارِ.

۳. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عِيسَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُهْرَبَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ نَجْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَمَلٍ يَدَاوَمُ عَلَيْهِ وَ إِنْ قَلَّ.

افزون‌تر می‌شود و هر که در کار کردن کوتاهی کند، سستی او افزایش می‌یابد^۱ (لیثی واسطی، (بی‌تا)، ج ۱، ص ۴۵۴). گفتنی است با داشتن جسم سالم زمینه برای روح و عقلی سالم نیز آماده می‌شود؛ همان‌گونه که در مقابل، جسم بیمار و ناسالم می‌تواند بستری برای بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و روانی باشد. بنابراین، کار، یکی از عوامل مهم سلامتی جسم و روح است (ناد علی، ۱۳۹۷، ص ۱۰).

۵-۲. دسته دوم از روایات درباره تربیت اطفال

تربیت، از جمله مهم‌ترین حقوق طفل است که براساس روایات معصومان (علیهم‌السلام)، برای فرزند حقی ثابت است که والدین باید بدان توجه کنند. در همین راستا، معصومان (علیهم‌السلام) در روایات بسیاری به راهنمایی والدین پرداخته‌اند و بسیاری از این اهداف تربیتی نیز با همین اشتغال تربیتی تحقق می‌یابند. همچنین، در بسیاری از روایات اخلاقی نیز این آثار دیده می‌شوند.

۵-۲-۱. تربیت در راستای پای‌بندی به احکام شرعی

یکی از اصول مهم تربیتی، اصل آماده‌سازی است که در واجبات، در قالب زمینه‌سازی برای انجام و در محرمات، به شکل تمرین در ترک پیشگیری بروز می‌یابد.

واجبات و محرمات، دو بخش اساسی و کلیدی احکام شرعی هستند که به دلیل متکی بودن آنها به مصالح و مفاسد قطعی و تأثیرگذاری آنها در زندگی، تأکید شارع را داشته و شارع به سهل‌انگاری و کم‌توجهی نسبت به آنها راضی نشده است. از این‌رو، ضروری است پیش از آنکه افراد و مربیان به حد بلوغ شرعی برسند و این احکام درباره آنها حتمیت یابد، زمینه رویارویی درست با این احکام در آنان ایجاد شود (بناری، ۱۳۸۹، ص ۴۰).

همچنین، تربیت، به مراتب از اصلاح آسان‌تر و درجه تأثیر آن با اصلاح، مقایسه‌پذیر نیست. هرچند امر اصلاح نیز امری بایسته و درخور توجه است، اما اصلاح در رتبه بعدی قرار داشته و تربیت، بر آن تقدم دارد. شاید این حدیث از امام صادق (علیه‌السلام) در رابطه با همین نمونه قابل ارزیابی باشد که می‌فرماید: «به آموختن حدیث به نوجوانان پیش از آنکه منحرفان آنان را گمراه سازند، اقدام کنید»^۲ (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۱۱).

در همین راستا، در کتاب‌های فقه امامیه حکم تکلیفی برای کسب و کار کودکان ذکر شده و آن

۱. مَنْ يَعْمَلْ يَزِدْ قُوَّةً، مَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْ فِتْرَةً.

۲. بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْفِكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَةَ.

را مکروه دانسته‌اند (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۴۶؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴؛ حلّی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۴۰۰؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰ق، ص ۱۰۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۹؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۰؛ عاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۳؛ حلّی، ۱۴۲۱ق، ص ۹۲؛ حلّی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۹۶ و ۲۵۹)، چه این کسب از مال خود طفل باشد یا از مال دیگری (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۶۸؛ حلّی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۴) و دلیل این حکم را اجتناب نکردن طفل از به دست آوردن مال حرام و ناتوانی او در شناخت دقیق حلال از حرام دانسته‌اند. در بیانی دیگر، کسب او را مجهول می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۹۳) و دلیل آن، اجتناب نکردن او از محارم یا علم به عدم مؤاخذه بیان شده است (حلّی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۶؛ بحرانی، بی‌تا)، ج ۱۱، ص ۸۴؛ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۶۸؛ حلّی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۶۶).

این حکم به روایت سکونی^۱ (جرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۱۸) از امام صادق (علیه السلام) مستند است. این روایت تنها از کسب صغیری که صنعتی را بلد نیست، نهی می‌کند؛ زیرا احتمال دارد دزدی باشد، به همین واسطه، مشهور فقهای امامیه آن را بر مکروه حمل کرده‌اند. گفتنی است، در این مورد رأی مخالفی یافت نشده است (نوری، ۱۳۹۱). برخی نیز بر این باورند که در صورتی که طفل به حلال و حرام آگاه باشد و علم به کسب حلال او داشته باشیم، این کراهت از میان می‌رود. چنان‌که بیان شد در بسیاری از روایات، به آموختن آموزه‌های دینی به اطفال اشاره شده تا بدین وسیله بتوانند حلال را از حرام بازشناسند. از این رو، اشتغال اطفال به منظور تربیت آنها یا اشتغال تمرینی و آموزش احکام به ایشان در خلال اشتغال، لازم به نظر می‌آید.

۵-۲-۲. سحرخیزی

سحرخیزی و رفتن به دنبال کار و تلاش در ساعات‌های آغازین روز، از آداب زیبا و ارزشمند کار کردن است. این عمل پسندیده، فواید بسیاری به دنبال دارد، به گونه‌ای که این ویژگی از یک‌سو، موجب می‌شود تا انسان به موقع از خواب بیدار شود و پس از به جای آوردن فریضه نماز صبح و توسل، بار دیگر برای خواب به بستر برگردد و به خواب بین‌الطلوعین (خواب میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب)، که مذمت شده و ناشایست است، مبتلا نشود. از سوی دیگر، با نیروی کافی و در فضای مطبوع و دل‌نشین صبحگاهی به دنبال کار و روزی خود برود (پناهی، ۱۳۸۶، ص ۵). در

۱. محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن النوفلي، عن السكوني عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: نهى رسول الله (صلى الله عليه وآله) عن كسب الإماء فإنها إن لم تجد زنت إلا أمه قد عرفت بصنعه يد، ونهى عن كسب الغلام الصغیر الذی لا یحسن صناعه بیده فإنه ان لم یجد سرق. ورواه الشيخ باسناده عن محمد بن یعقوب أقول: ویأتی ما یدل علی کراهه کسب من لا یجتنب المحارم.

همین راستا روایاتی از معصومان علیهم‌السلام ذکر شده‌اند؛ از جمله: «بامدادان و صبح زود، دنبال روزی و نیازهای خود بروید؛ زیرا سحرخیزی مایه برکت و رستگاری است»^۱ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۷۱). در روایت دیگری آمده است: «هرگاه یکی از شما کاری داشته باشد، صبح زود به دنبال آن کار رود. زیرا، من از خدای خویش خواسته‌ام به کسانی از امت من، که اول وقت به سر کار خویش حاضر شوند، برکت دهد»^۲ (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۵۷).

در این دو حدیث افزون بر تشویق به سحرخیزی، فواید آن از جمله عزت‌مندی نیز ذکر شده است. این آثار سودمند در اشتغال اطفال حتی اگر به صورت تربیتی نیز باشد، به نحوی هویدا می‌شود و به نهادینه شدن این عادت‌ها در بزرگسالی می‌انجامد.

۵-۲-۳. تربیت طفل به آداب اجتماعی

اجتماعی بودن، به‌عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان، باید در مقام تربیت بدان توجه شود. از این‌رو، تربیت شدن به آداب و اخلاق اجتماعی، به منظور شکوفایی استعدادها در عرصه حیات اجتماعی و حضور فعال و موفق در اجتماع، را می‌توان از جمله حقوق فرزندان بر والدین محسوب کرد.

مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش دادن فرزندان براساس التزام به آداب اجتماع و اصول ارزشمند اخلاقی است؛ به گونه‌ای که، از همان دوران کودکی بتوانند در جامعه حضور یابند و از حسن رفتار و ادب و تعادل روحی و روانی، و خردورزی در برخورد با دیگران، برخوردار باشند (انصاری، بی‌تا، ص ۵۷۵).

البته، تربیت اجتماعی با دیگر مراحل تربیتی نیز ارتباط دارد و جدا از دیگر مراحل، قابل تحقق نیست. اسلام به‌عنوان دینی جامع‌نگر، به آداب و اخلاق اجتماعی، عنایتی خاص داشته و دستورهای ارزنده‌ای در این‌باره دارد. عفو و بخشش، احترام به شخصیت دیگران، تواضع، نظم و انضباط، محبت متقابل، رعایت حقوق دیگران، جرئت و شهامت داشتن، ایثار و فداکاری و گذشت، نظارت و مراقبت اجتماعی، مشورت کردن، تعاون و همکاری و مسئولیت‌پذیری و... جزء اصول تربیتی-اجتماعی هستند که در اسلام بدانها سفارش شده است.

بنابراین، اخلاق اجتماعی، مانند دیگر صفات اخلاقی به‌طور ناگهانی در کودکان ظاهر نمی‌شود؛ بلکه، براساس پرورش والدین، به تدریج در رفتار و کردارشان پیدا می‌شود. این مهارت‌ها شامل مهارت برقراری ارتباط با دیگران، مهارت در گوش دادن و همدردی و ارتباط غیرکلامی و مهارت در تشخیص احساسات خویش است (انصاری، بی‌تا، ص ۵۷۶).

۱. قال رسول الله ﷺ: بَاكِرُوا طَلَبَ الرِّزْقِ وَ الْحَوَائِجِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ بَرَكَةٌ وَ نَجَاحٌ.

۲. قال رسول الله ﷺ: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيَبْكُرْ إِلَيْهَا، فَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُبَارِكَ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا.

اشتغال در انواع مختلف خود، به خوبی می‌تواند مهارت‌های اجتماعی، اعم از کلامی یا غیرکلامی، را بهبود بخشد، تا طفل بتواند در فضای جامعه و در تعامل با اقشار مختلف به کسب تجربه‌های جدید بپردازد.

۵-۲-۴. تربیت پیش از آزمایش اطفال و احراز رشد

در برخی آیات،^۱ به آزمایش اطفال برای احراز رشد آنان اشاره شده است؛ بر پایه برخی دیگر از آیات،^۲ و برخی از روایات^۳ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۶۳؛ جمعی از مؤلفان، (بی‌تا)، ج ۵۳، ص ۷۷)، رشد، به وسیله آزمایش (امتحان) احراز می‌شود، البته این آزمایش بسته به وضعیت‌ها، متفاوت است (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۸۴).

آزمایش (امتحان)، به معنای پیگیری و بررسی احوال او در ضبط اموال و حسن تصرف اوست، به این گونه که برای نمونه در فرزند تاجر، مقدمات فروش به او موکول شود، تا کیاست و رشد او معلوم شود (حلی، (بی‌تا)، ج ۲، ص ۵۹۳؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۲۴۹).

ظاهر آیه شریفه این است که امتحان و آزمایش باید پیش از بلوغ باشد و پس از امتحان، اگر رشدی معلوم شد، مال او به خودش واگذار می‌شود، ولی به گفته برخی فقها، آزمایش پس از بلوغ انجام می‌گیرد (جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱۶؛ حلی، (بی‌تا)، ج ۲، ص ۵۹۲؛ حائری، (بی‌تا)، ص ۹۵؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۹۳).

از این منظر، اقدام به آزمایش اطفال، بدون تربیت پیشین آنها، نامعقول به نظر می‌رسد. از این رو، ضرورت تربیت اطفال از طریق اشتغال به کار در مواردی که نیاز به آن احساس می‌شود، ضروری است.

۵-۲-۵. ضرورت آینده‌نگری و آینده‌پژوهی در قلمرو تعلیم و تربیت

از بایسته‌های انکارناپذیر تربیت اطفال، لزوم توجه به «آینده‌نگری» و آماده‌سازی افراد برای مواجهه با مشکلات و نیازمندی‌های ایشان در آینده و «آینده‌پژوهی» در قلمرو تحولات آینده در مسیر تربیت نسلی است. شاید بتوان این حدیث از امام علی (علیه السلام) را در همین رابطه قلمداد کرد که

۱. «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبُرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (نساء، ۶).

۲. از جمله آیه‌های پنجم و ششم سوره نساء و آیه ۲۸۲ سوره بقره.

۳. عن الصادق (علیه السلام) أنه سئل عن قول الله عز و جل: «فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» قال: انبأ الرشد، حفظ المال.

فرمود: «شایسته‌ترین چیزهایی که نوجوانان باید بیاموزند، آن چیزهایی هستند که هنگام بزرگسالی به آنها نیاز دارند»^۱ (ابن ابی الحدید، (بی‌تا)، ج ۲۰، ص ۳۳۲).

۵-۲-۶. آشکار شدن توانمندی‌های شغلی کودکان و کشف استعدادهای آنان

اشتغال تمرینی و در راستای تربیت طفل، افزون بر آشنایی او با اجتماع و مشاغل مختلف، می‌تواند توانایی‌ها و علاقه و استعداد او را نسبت به آینده آشکار سازد. هرچند اطفال در این سن، بسیار تجربه‌گر و خیال‌پرداز هستند و ممکن است از فضای شغلی درک مناسبی نداشته باشند، اما تجربه‌های عملی می‌توانند به طفل بیاموزند و اهمیت و مشقت امرار معاش را برای او تا حدی ملموس کنند. همچنین می‌توانند باعث شوند که او و والدینش با توانمندی‌های طفل آشنا شده و در برنامه ریزی آینده وی، در جهت درست گام بردارند.

۵-۲-۷. کمک به ریل‌گذاری والدین در مسیر تربیت

تربیت به‌عنوان حق و تکلیف والدین، وجوه مختلفی دارد که انتخاب راه درست برای والدین همواره یک دغدغه محسوب می‌شود. یکی از این تکالیف تربیتی، آشناسازی طفل با مسیر آینده خود است. والدین باید برای آینده شغلی طفل در شغلی حلال و مطابق با شرع، تلاش کنند. اشتغال تربیتی یکی از راهکارهای مناسب در این زمینه به شمار می‌رود؛ زیرا والدین با بررسی تجربه عملی طفل، می‌توانند آینده وی و نیازهای تربیتی او را ارزیابی کنند.

نتیجه

۱. رشد و تعالی اشخاص، در گرو عوامل متعدد است که مهم‌ترین آنها، تربیت مناسب و صحیح در سنین متفاوت است. همچنین، ویژگی‌های اکتسابی که آثار مهمی را در زندگی بر جای می‌گذارند، بیشتر محصول آموزش و تجربه‌اند. اشتغال تربیتی و تمرینی، می‌تواند به‌عنوان یک عنصر آموزشی و تربیتی، تجربه خوبی را برای زندگی آینده در اختیار طفل قرار دهد؛
۲. با توجه به ضرورت دقت نظر در رابطه با شادابی طفل و اهمیت بازی و تربیت در قالب‌های دیگر و نیز امکان بروز مخاطرات جسمی و روحی، اشتغال طفل در سنین پایین، حتی در قالب تمرینی نیز تجویز نمی‌شود، اما در سن تمیز و بالاتر از آن، این امکان برای سرپرست طفل با رعایت بایسته‌های یادشده، از جمله ملاحظات جسمی و روحی، قابل تجویز است؛

۱. أُولَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْحَدَاثُ الْأَشْيَاءُ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالًا، أَحْتَاجُوا إِلَيْهَا.

۳. فواید بسیاری بر اشتغال تربیتی و تمرینی اطفال مترتب است؛ از جمله، ایجاد صفت شکیبایی و پارسایی، روحیه مداومت و پشتکار، سحرخیزی، و تربیت طفل به آداب اجتماعی است و نیز می‌تواند از تنبلی و کسل شدن طفل در آینده جلوگیری کند. از این رو، ضرورت آینده‌نگری و آینده‌پژوهی در قلمرو تربیت ضرورت این مهم را آشکار ساخته و به ریل‌گذاری والدین در مسیر تربیت طفل کمک خواهد کرد؛

۴. هر نوع اقدامی درباره اشتغال طفل، حتی در قالب تمرینی، باید در عمل با رعایت وضعیت جسمی، نوع کار و مجموع اوضاع و احوال، به گونه مناسب و متناسب با روحیه طفل و مجموع اوضاع و احوال و به دور از هر نوع افراط و تفریط انجام شود؛ به گونه‌ای که، تمامیت جسمانی و نشاط و شادابی مورد نیاز برای طفل، تحت تأثیر قرار نگیرد و در همه این موارد، بر مصلحت طفل به‌عنوان محور تصمیم، توجه شود.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید (بی تا)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی رحمته الله علیه.
۲. ابن ابی جمهور، محمد ابن زین الدین (۱۴۰۳ق)، محقق مجتبی عراقی، عوالی اللالی، قم: مؤسسه سیدالشهداء.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی تا)، المحکم والمحیط الأعظم، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۲۶ق)، معجم مقاییس اللغه، لبنان، بیروت: طبعه جدید مصححه و ملونه، دار احیاء تراث العربی.
۵. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، لبنان، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع - دار صادر، الطبعه الثالثه.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۷. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ق)، وسیله النجاه (مع حواشی الإمام الخمينی رحمته الله علیه)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ اول.
۸. امرائی، حسن (۱۳۸۸)، مهندسی سیاست، تهران: شوکا، چاپ اول.
۹. انصاری، قدرت الله (بی تا)، احکام و حقوق کودکان در اسلام، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار رحمته الله علیه.
۱۰. بحرانی، آل عصفور، حسین بن محمد (بی تا)، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع (للفیض)، قم: مجمع البحوث العلمیه، چاپ اول.
۱۱. بناری، علی همت (۱۳۸۹)، «نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت»، مجله معرفت، ش ۵۷.
۱۲. بهرامی احمدی، حمید (بی تا)، قواعد فقه (مختصر هفتاد و هفت قاعده فقهی)، تهران: نشر دانشگاه امام صادق رحمته الله علیه.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
۱۴. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، نهج الفصاحه، اصفهان: انتشارات خاتم الانبیا.
۱۵. پناهی، علی احمد (۱۳۸۶)، «اشتغال؛ آثار تربیتی و روان شناختی»، مجله معرفت، ش ۱۱۹، ص ۴۴-۶۰.

۱۶. جرجانی، سیدامیرابوالفتح حسینی (۱۴۰۴ق)، تفسیر شاهلی، تهران: انتشارات نوید، چاپ اول.
۱۷. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۴۲۳ق)، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب أهل بیت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۸. جمعی از مؤلفان (بی تا)، مجله فقه أهل بیت علیهم السلام (فارسی)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب أهل بیت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، الأصول الستة عشر، محققان ضیاءالدين محمودی، نعمت الله جلیلی، مهدی غلامعلی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۲۰. حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل (ط-الحديثه)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۲۱. حائری، سیدمحمد مجاهد طباطبایی (بی تا)، کتاب المناهل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۲۲. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، هدايه الأمة إلى أحكام الأئمة-منتخب المسائل، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، چاپ اول.
۲۳. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۲۴. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۰ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۵. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه (ط-الحديثه)، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۲۶. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
۲۷. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۱۲ق)، نکت النهایه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۸. حلّی، مقداد بن عبدالله سیوری (بی تا)، کنز العرفان فی فقه القرآن، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بنخشايشی، چاپ اول، قم: نشر نوید اسلام.
۲۹. حلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، چاپ اول.
۳۰. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۱ق)، تلخیص المرام فی معرفه الأحكام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳۱. خمینی، سیدروح الله (موسوی)، (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.

۳۲. خوشبخت، فریبا (۱۳۹۰)، «رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با رفتارهای غیراجتماعی و اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی در بازی»، مجله مطالعات روان‌شناختی، دوره ۷، ش ۴.
۳۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول در دوره جدید.
۳۴. الرضی، السید الشریف (بی‌تا)، نهج البلاغة ت حسون، کتابخانه مدرسه فقهاهت.
۳۵. رهبر، محمدتقی و محمدحسن رحیمیان (۱۳۸۱)، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: سمت، چاپ نهم.
۳۶. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۳۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، مؤسسة المنار.
۳۷. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۰۴)، المحقق علی اکبر الغفاری، من لایحضره الفقیه (نسخه غیر مصححه)، قم: الناشر: جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمیة، طبعة الثانية.
۳۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۹ق)، من لایحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، چاپ اول.
۳۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (بی‌تا)، العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)،
۴۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، لبنان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت-لبنان، چاپ دوم.
۴۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۲ق)، العروة الوثقی مع تعلیقات الإمام الخمینی، تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رضی)، چاپ اول.
۴۲. طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المهذب (لابن البراج)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۴۳. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، الجمل و العقود فی العبادات، ترجمه محمد واعظزاده خراسانی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
۴۴. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، لبنان، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
۴۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۴۶. طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق)، الوسیلة الی نیل الفضیلة، قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، چاپ اول.

۴۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷)، تهذیب الاحکام، محقق علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۴۸. عاملی، سیدجواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹ق)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط-الحديث)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۹. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، اللعنة الدمشقية فی فقه الإمامیه، لبنان، بیروت: دارالتراث-الدار الإسلامیه، چاپ اول.
۵۰. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق)، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۵۱. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۵۲. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ دوم.
۵۳. عراقی، سیدعزت الله (۱۳۹۱)، حقوق کار، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۵۴. عمید، حسن (۱۳۴۳)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات ابن سینا، چاپ اول.
۵۵. غزالی، محمد (۱۳۵۲)، احیاء علوم الدین (آغاز ربع مهلکات)، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم.
۵۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، چاپ اول.
۵۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۵۸. قنوتی، جلیل و حسین جاویر (تابستان ۱۳۹۰)، «مبانی احترام» در شناسایی و حمایت از حریم خصوصی در حوزه ارتباطات»، حقوق اسلامی، ش ۲۹، ص ۳۳-۶۰.
۵۹. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی (ط-دارالحديث)، قم: دارالحديث للطباعة و النشر، چاپ اول.
۶۰. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط-الإسلامیه)، ۸ جلد، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۶۱. الکتانی، عبدالحی (بی تا)، نظام الحكومة النبویة، بیروت، لبنان: نشر دار الأرقم بن أبی الأرقم.
۶۲. لیثی واسطی، علی بن محمد (بی تا)، عیون الحکم و المواعظ، محقق حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحديث.
۶۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم.

۶۴. مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط-القدیمة)، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم.
۶۵. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، بحار الأنوار، محقق عبدالزهراء علوی، بیروت: دار احیاء التراث.
۶۶. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۰)، العلم والحکمة فی الكتاب والسنة، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۶۷. مریدی، سیاوش، نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳)، فرهنگ اقتصادی، تهران: نشر نگاه، چاپ اول.
۶۸. مصطفوی، سیدکاظم (۱۳۹۳)، قواعد فقه، ترجمه عزیزالله فهیمی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
۶۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ نود و دوم.
۷۰. نادعلی، فاطمه (۱۳۹۷)، «تشویق به کار و تلاش از منظر قرآن و روایات»، کوثر، ش ۴۲.
۷۱. نوری، حسین (۱۳۹۱/۱۱/۱۸)، درس خارج فقه آیت‌الله نوری، کتاب‌البیع.
۷۲. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، لبنان، بیروت: مؤسسه آل‌البتیت علیه‌السلام.